

## یادداشت

نگاهی به فیلم «شیفت شب»

## آیا نیکی کریمی فیلم خوبی ساخته؟



مرتضی اسماعیل‌دوست: شبی دیگر از راه رسید. شبی از همان شب‌زدگی‌های توهم‌زایی که با عنوانی جعلی از تصویر به سمت مخاطب پرتاب می‌شود. بسا ادایی شبه‌روش‌فکرانه و کلامی انبوه‌زده از شعار و سیمایی گرانتقیمت از ویرتینز خانه تا اتومبیلی چشم نوازا! همه چیز در راستای همان نگاهی است که خالقان متوهم از هنر بدان الصاق می‌شوند و در این میان چه غریب مانده است اصالت سینما در این چهار گوشه ناآگاهی و بی‌هویتی. بی‌هویت از چرایی بودن که تنها بهانه تولید فیلم‌نامه‌هایی چنین را می‌توان در عشوه‌هایی دانست که ژست‌گرایی را در لباسی عاری‌های از تفکر عرضه می‌دارد. فیلم «شیفت شب» داستانی است که هنوز شروع نشده و همچنان بی‌هویت، زمان را تلف می‌کند. داستانی نیم‌بند که نسه می‌توان با آن همدلی کرد و نه طلیعه‌ای خوش بدان داشت، چرا که به جای مواجهه با رخدادی ترازیک در متن زندگی به یک سری سکانس‌های کودکانه برمی‌خوریم که تنها برای نویسنده می‌تواند ماهیای همراه‌کننده باشد و برای مخاطب در سالن هزاررنگ تماشا یا به خوابی شیرین بدل می‌شود یا به خنده‌ای تسمخ‌گرآیانه‌خواهدانجامید.

فیلم شیفت شب، متفاوت از بی‌هویتی آثاری است که توسط نیکی کریمی در قالب یک شب، چند روز بعد و سوت پایان و آثاری از این دست رقم خورده بود. شیفت شب داستانی از زندگی مردی با نام فرهاد (محمدرضا فروتن) و ناھید (لیلا زارع) که دختری نیز به نام بلران دارند. بعدها کشف به عمل می‌آید فرهاد در معامله‌ای شکست‌خورده و از کار برکنار شده است. فیلم به جای انگکس تصویری درام‌تندی از مرد و ذهنی خسته‌از همسرش، به پژواک یک زندگی متغوش رسیده و روایتی الکن از بن‌بست شخصیت در جهت حل بحران دارد، به نحوی که با وقایعی ناگهانی و بدون رعایت هر گونه مشخصه‌های ساخت درام در اجرا می‌رسیم. همچنین نویسنده

براساس اصول فیلم‌نامه‌نویسی به کاشت‌دانه‌هایی در فیلمنامه می‌پردازد که برداشتی ساده از آن به عمل می‌آید داستانی که شاید در یک خط روایی، قابل برداشتی عمیق از به‌بن‌بست رسیدن شخص و استیصال بشری باشد اما در پرداخت صورت یافته در فیلمنامه و در اجرای سطحی‌گرایانه در نزد کارگردان، حکم بازیچه‌ای بی‌رنگ و بی‌منطق یافته و به بی‌باورترین شکل ممکن به رویدادی بی‌جفت و بیست بدل می‌شود. گویی اتفاقات نه بر مبنای رئالیسمی تلخ و جانگناه بلکه همچون اثری سرخوشانه از ژانر کم‌دی روایت می‌شود! به‌طور نمونه می‌توان از سکانسی یاد کرد که فرهاد به بیماری خودکشی مبتلاست آن هم از منظر همسر عاشق‌پیشه‌اش که با سری خونین از دعوایی دلخراش به خانه آمده است و همسر

با رویی خوش در چشمان وی نگاه می‌کند و به او پیشنهاد می‌دهد همچون دوران گذشته، به پیاده‌روی‌های عاشقانه دل‌بسپاریم و متعاقب این پیشنهاد دلبرانه به پرسشی اساسی نیز می‌پردازد که حالا کدام‌یک از رنگ شال‌ها برای گردش مناسب‌تر است؟! کارگردان به جای توجه به نحوه روایت و خلق تعلیقی مطابق با قواعد درام، به سمت تریق احساس به مخاطب از طریق افزایش باند صوتی و نورپردازی‌های وهم‌ناک می‌رود. فیلمساز البته پرسونازی اختصاصی برای نمایش خود در فیلم تعبیه می‌کند تا بیشتر از اینها حضور خود را در عرصه هنرمندی اعلام کند و در این میان عدم کارکرد این کاراکتر در فضای متشنج داستان هم مهم نیست! البته در این آشفته‌بازار می‌توان به نقش آفرینی ارزنده از سوی لیلا زارع اشاره داشت که با توجه به عدم پرداختی مناسب در پرسوناز ناھید، تلاشی بی‌نتیجه دارد. از ایرادات متعکس شده در سیمای شب‌بزه فیلم می‌توان صفحه‌های بسیار را سیاه کرد و به جای تحلیلی از ساختار فکری فیلم به نمونه‌هایی مضحکانه از شعارگویی‌هایی بی‌لحن توسط کاراکترهایی کوکی رسید. برای سرخوشی بیشتر می‌توان به سکانس نهایی فیلم هم سرک کشید که مشخص می‌شود فرهاد‌خان در جهت حل‌بدهی ۵۰۰ میلیونی خود، شب‌شها به شکار مول‌های گردن کلفت شب‌های تهران می‌رودا و این همه سکانس‌های هراس‌آلود از وجود تنگت ساچمه‌ای در خانه که تعبیری از خودکشی فرهاد یا اقدام برای کشتن خانواده تلقی شده بود، تصویری بیپهوه از ذهن بیمار مخاطب بوده است‌و ناھید خانم نیز از همین موضع هراس‌آلود، شبی پیپه‌وره را در داخل کمد خانه پسر برده بودا به‌طور حتم ادامه یافتن نمونه‌هایی در فیلم منجر به افزایش کمی در علامت تعجب خواهد شد و از جهت صرفه‌جویی از دنباله این مثال‌ها پرهیزی کنم!

نگاهی به چند فیلم اکران شده در جشنواره

# ساده یا بیرنگ!

شادی رستمی: فرزاد مومتن فیلم «خداحافظی طولانی» را براساس داستانی از اصغر عبداللھی به جشنواره امسال ارائه کرده و فضای آن با کارهایی که پیش از این روی پرده نقره‌ای آورده، تفاوت بسیار دارد. این بار مومتن از فضای اتلنتکوالی فاصله گرفته و به سراغ داستانی کلاسیک و عاشقانه آن هم از نوع قدیمی‌اش رفته است. به قول کارگردان: «وقتی فیلمنامه را خواندم، چیزی مرا جذب کرد چون قصه در طبقه اجتماعی کارگر اتفاق می‌افتد. سینمای ما نسبت به این قشر بی‌تفاوت است، چرا که اکثر فیلم‌های ما یا در نیابوران ساخته می‌شود یا در زعفرانیه، به ندرت پیش می‌آیدفیلمی ساخته‌شود که راجع به کارگران ساختمانی باشد. این فیلم عشقی بود برای هر کارگردان و مبارزهای است برای اینکه او بداند چقدر از پس این کار برمی‌آید. حالا دیگر شب‌های تهران نیست. حالا با کارگر کارخانه روبه‌رو هستی که دامنه کلماتش محدود ولی جذاب است. من ۱۰ سال منتظر چنین فیلم‌نامه‌ای بودم.» فیلم سر و ظاهر کهنه‌های داره، شاید چون موضوعی قدیمی دارد و روی همه چیز را غبار غم و حسرت پوشانده است. از چنین سوزه‌های البته بارها در سینمای ایران و جهان استفاده شده و این نوع به کار بردن و پرداخت اثر است که آن را متمایز می‌کند. طرح کلی داستان براساس از دست دادن آبرو و اعتبار مردی است که در شهر کوچک روی عوامل فنی سبب شده فیلم کم و کسری زیادی دادن آبرو و اعتبار مردی است که در شهر کوچک خود انگشت‌نما شده است. این جامعه‌گریزی و بی‌اثر شدن در جامعه سوزه‌ای است که جای کار بسیار دارد و می‌تواند نظر مخاطب را کاملا به خود جلب کند اما سادگی بیش از حد فیلم و تمرکز کارگردان روی عوامل فنی سبب شده بود ولی سوزه به‌رغم جذاب بودن در این فیلم خوب پرداخت نشده است. محیط سرد و کسالت‌بار، بازی‌های بی‌جان و رقم، ریتم کند و کندار و خودداری کارگردان از کات کردن، نماهای بسته و دوربین روی دست البته بی‌هیچ ظرافتی فیلم خواب‌آور و کلافه‌کننده‌ای ساخته‌که اصل مهم را بی‌هیچ لایه هوشمندانه‌ای در زیر خود دفن می‌کند.

کارگردان موفق نشده در انتقال معنی و مفهوم مورد نظر خود به درستی عمل کند. اگرچه سعی کرده با چهره معمو و غمگین کودک احساسات مخاطب را برانگیخته کند اما چندان موفق نبوده و در نهایت تنک بیابانی بسازد، موضوع خوبی را انتخاب نکرده و آن را در ظرف مناسبی نریخته است. فیلم با تماشاگر زمان حال ارتباط مستوره ندارد. فرزنددار شدن فیلم‌های قدیمی را درمی‌آورد. حتی طراحی پوستر فیلم به سبک دهه ۵۰ نیز ادای دینی به سینمای آن دوران است. همه چیز پیش از حد غلیظ و وامدار نوستالژیک‌است.

■ **نگاهی به فیلم «شکاف»**

«شکاف» دومین اثر کیارش اسدی‌زاده، یکی از آثار مورد توجه جشنواره است و برای آن تبلیغات فراوانی سینمای ما نسبت به این قشر بی‌تفاوت است، چرا که اکثر فیلم‌های ما یا در نیابوران ساخته می‌شود یا در زعفرانیه، به ندرت پیش می‌آیدفیلمی ساخته‌شود که راجع به کارگران ساختمانی باشد. این فیلم عشقی بود برای هر کارگردان و مبارزهای است برای اینکه او بداند چقدر از پس این کار برمی‌آید. حالا دیگر شب‌های تهران نیست. حالا با کارگر کارخانه روبه‌رو هستی که دامنه کلماتش محدود ولی جذاب است. من ۱۰ سال منتظر چنین فیلم‌نامه‌ای بودم.» فیلم سر و ظاهر کهنه‌های داره، شاید چون موضوعی قدیمی دارد و روی همه چیز را غبار غم و حسرت پوشانده است. از چنین سوزه‌های البته بارها در سینمای ایران و جهان استفاده شده و این نوع به کار بردن و پرداخت اثر است که آن را متمایز می‌کند. طرح کلی داستان براساس از دست دادن آبرو و اعتبار مردی است که در شهر کوچک روی عوامل فنی سبب شده فیلم کم و کسری زیادی دادن آبرو و اعتبار مردی است که در شهر کوچک خود انگشت‌نما شده است. این جامعه‌گریزی و بی‌اثر شدن در جامعه سوزه‌ای است که جای کار بسیار دارد و می‌تواند نظر مخاطب را کاملا به خود جلب کند اما سادگی بیش از حد فیلم و تمرکز کارگردان روی عوامل فنی سبب شده بود ولی سوزه به‌رغم جذاب بودن در این فیلم خوب پرداخت نشده است. محیط سرد و کسالت‌بار، بازی‌های بی‌جان و رقم، ریتم کند و کندار و خودداری کارگردان از کات کردن، نماهای بسته و دوربین روی دست البته بی‌هیچ ظرافتی فیلم خواب‌آور و کلافه‌کننده‌ای ساخته‌که اصل مهم را بی‌هیچ لایه هوشمندانه‌ای در زیر خود دفن می‌کند.

فیلم «پدر آن دیگری» یدالله صمدی با توجه به حواشی بسیار و عدم پذیرفته شدن در بخش مسابقه‌های رسانه را کاملا غافلگیر کرد و فیلم با اقبال گسترده اهالی رسانه مواجه شد.پس از پایان نمایش نشست خبری فیلم سینمایی «پدر آن دیگری» به کارگردانی یدالله صمدی بامداد یکشنبه ۱۹ بهمن‌ماه در سالن سعدی مرکزی نمایشگاه برج میلاد برگزار شد. به گزارش مهر، نشست خبری فیلم سینمایی «پدر آن دیگری» به کارگردانی یدالله صمدی در اولین ساعت‌های یکشنبه ۱۹ بهمن‌ماه با حضور کارگردان، ثریا قاسمی، حسین یاری، هنگامه قاضیانی، بنفشه صمدی، مهدیار عزیزی، بازیگران، اصغر نژادایملی طراح صحنه و لباس فیلم و پرینوش صنیعی نویسنده کتاب «پدر آن دیگری» برگزار شد. علیرضا پورصیباغ اجرای جلسه را برعهده داشت. این نشست با استقبال مخاطبان همراه بود. تا ساعت ۲ بامداد به طول انجامید. یدالله صمدی، نویسنده و کارگردان این فیلم سینمایی در ابتدای این نشست خبری با اشاره به موضوع اقتباس در سینمای ایران بیان کرد: بحث اقتباس سال‌هاست که در سینمای کشور میان هنرمندان و مسؤولان سینمایی مطرح می‌شود حتی من یادم می‌آید در یک پرسوه زمانی حوزه‌های با همین عنوان در بنیاد سینمایی فارابی شکل گرفت اما متأسفانه آن‌طور که باید جدی گرفته نشد اما با این حال من افتخار دارم که طی سال‌های اخیر در کارنامه فیلمسازم اقتباس از رمان‌های داستانی نویسندگان کشورمان جزو مهم‌ترین اهداف کاری‌ام بوده است.

■ **فیلمی در آستان حوادث**

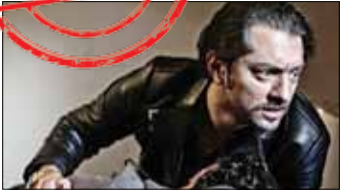
وی با اشاره به فیلم سینمایی «پدر آن دیگری» ادامه داد: این فیلم براساس رمانی که ۸ سال پیش توسط خاتم پرینوش صنیعی نوشته شد، ساخته‌شد و بعد از مطالعه آن متوجه شدم که می‌تواند کاربرد بسیار خوبی برای ساخت یک فیلم سینمایی خوب داشته باشد بنابراین با این نویسنده وارد مذاکره شدم تا امتیاز سینمایی رمان را به من بدهد و خوشبختانه وی استقبال کرد. البته باید به این نکته نیز اشاره کنم که این رمان آبستن بسیاری از حوادث بوده است و من برای انتخاب این حوادث برای فیلم سینمایی به زحمت زیادی افتادم چراکه همه این حوادث نمی‌توانست در یک فیلم دو ساعته جای بگیرد ضمن اینکه نمی‌توانستم از خیلی از صحنه‌های جالب توجه نیز عبور کنم. صمدی افزود: البته پیش از ساخت این فیلم سینمایی پیشنهادهایی به خلم صنیعی برای امتیاز این رمان در جهت ساخت مجموعه‌های تلویزیونی ارائه شده بود اما با توجه به اینکه من تصمیم گرفته بودم نسخه سینمایی رمان را تهیه کنم. وی نیز پذیرفت که نسخه سینمایی رمان تهیه شود. پس از آن بود که به چند تهیه‌کننده صاحب‌نام مراجعه کردم اما به دلیل اینکه ما در دوره‌ای سیری می‌کنیم که اغلب فیلم‌های سینمایی تمام و کمال در خدمت عشق‌های



پایان‌بندی‌اش هم رنگی از ترازدی ندارد. فیلمنامه شکاف چیزی در خود ندارد، منسجم و دقیق نیست. اگر کارگردان می‌خواست جبر زوج را در فرزنددار شدن نشان دهد موفق نبوده، اگر می‌خواست تردید آنها را در انجام وظایف در قبال فرزند به نمایش بکشد، باز هم درست از آب در نیامده و اگر باز هم قصد داشته نبودی زندگی فرزند را در کشاکش جدایی والدین به رخ بکشد تنها به نتیجه‌گیری اندوهناکی بسنده کرده است. فیلم به نوعی مبهم است و نه توضیحی وجود دارد و نه اکت و نشانه‌ای که بیننده را به چیزی رهنمون کند. برخی نشانه‌های رابطه همچنان رو و گل درشت درآمده است که سبب خنده تماشاگر می‌شود.

■ **نگاهی به فیلم «عصر یخبندان»**

«عصر یخبندان» چهارمین اثر مصطفی کبیایی، کارگردان خوش‌ذوق و شگفتی‌ساز سینمای ایران است که در جشنواره سی‌وسوم به نمایش درآمده و مانند دو فیلم قبلی وی توانسته نظر مثبت مخاطبان را جلب کند. کبیایی پس از «بعدازظهر سگی سگی»، «ضد گلوله» و «خط ویژه» این بارسراغ سوزه‌های پیچیده رفته که بتازگی در جامعه فراگیر شده است. نام عصر یخبندان، بیننده را به یاد انیمیشن محبوب و خوش‌ساختی می‌اندازد که به واسطه دوبله جانیش در ایران بسیار پربیننده شده بود اما این وجه تشبیه کمترین ارتباطی با آن اثر ندارد و جز عروسک یکی از کاراکترها که سنجاب بازیگوش و بلوط دوستی است کمترین تأثیری بر فیلم نگذاشته است. البته نقش کاربردی عروسک به حدی در فیلم اهمیت دارد که حتی پایان‌بندی را با قرار دادن مخاطب به جای آن ترتیب داده‌اند. کبیایی جزو معدود فیلمسازانی است که هنر منتقدان و هم از مخاطبان نظر مثبت دریافت می‌کند. فیلم‌های او تحسین دو قشر عامی و روشنفکر را به همراه دارد. کمتر می‌شود که هر دو دسته راضی از سینما بیرون بروند اما این اتفاق برای



آثار وی رخ می‌دهد. چنانکه گفته شد او موضوعی تلخ و در عین حال نه‌چندان جدید را دستمایه خود قرار داده، امتیاز، اگرچه تمام جزئیات آن متفاوت است اما موضوعی بوده که از دیرباز مورد علاقه سینماگران قرار گرفته و بوده‌اند بسیاری از بازیگران که برای ایفای نقش معتاد برنده جوایز مهم شده‌اند. کبیایی که تاکنون با کارهایش نشان داده جرات و جسارت لازم برای عبور از خط قرمز را دارد، این بار با رفتار نهاده و به خیانت یک زن شوهردار و اعتیاد او می‌پردازد. غیر از آن در فیلم انواع و اقسام خیانت‌ها را شاهدیم. در واقع در هر فردی نوع آن فرق می‌کند. کبیایی فیلم را از اواسط آن شروع می‌کند. فیلمنامه به گونه‌ای نگاشته شده که توألی زمانی بی در پی به هم می‌ریزد و وقایع از چند بعد نشان داده می‌شود. همین حرکت کیفیت رمزآمیز و خاصی به کار می‌بخشد و سبب می‌شود مخاطب خود تمام قسمت‌ها را مانند پارسی در کنار هم ببیند و از برخورد کاراکترها با هم در زمان‌های مختلف شگفت‌زده شود در واقع کارگردان اجازه کشف و شهودی لذتبخش را به بیننده عرضه می‌دارد. لایه‌های گوناگون فیلم و تعدد کاراکترها و نقش موثرشان از بولد شدن یک نفر به‌عنوان رل اصلی جلوگیری می‌کند و همه با سطح یکسانی از اهمیت و تأثیر پیش می‌روند. عصر یخبندان ریتم تندی دارد و پر کشش و مهیج است. همه چیز به‌خوبی حساب‌شده و هیچ سکانس زائد و دیالوگ اضافه و بی‌ربط به چشم نمی‌آید. به‌رغم روایت غیرخطی، همه چیز آفقد خوب و شسته

رفته است که کلیت داستان لطمه‌ای نیند و بیننده لحظه‌ای از آن دور نشود. کبیایی کارگردان جوان و آینده‌داری است که درک درستی از سینما دارد و به‌خوبی مسیر پیشرفت را طی می‌کند. موفقیت او در «عصر یخبندان» ثابت می‌کند جذابیت کارهای قبلی‌اش اتفاقی نبوده است.

سینمایی «پدر آن دیگری» توضیح داد: من چقدر دلم می‌خواست که خانم‌ها و آقایان بازیگر جوان ما صبوری بی‌انتہایی این کودک ۶ ساله ما را می‌دیدند و مشاهده می‌کردند که احترام به کار یعنی چه. امیدوارم این دوستان قدر فرصت‌هایی که برایشان پیش آمده را بدانند و ببینند که به چه وادی سخت و مشکلی وارد شده‌اند.

■ **هنگامه قاضیانی در عصر یخبندان بی‌حرمتی‌ها**

هنگامه قاضیانی، بازیگر نقش مادر فیلم سینمایی «پدر آن دیگری» نیز در این نشست خبری گفت: قطعانه می‌گویم که در این دوره از جشنواره یک کار محترم داشتم و بسیار خوشحالم از اینکه بانو گلاب آدینه به عنوان کسی که اولین تست بازیگری را در سینمای ایران برای بازی در فیلم «ندان زنان» از من گرفت بعد از تماشای این فیلم خطاب به من گفت در اثر قابل تحسینی حضور داشتم و خوشحالم از اینکه آقای علانی مدیر انجمن منتقدان و نویسندگان خانه سینما به این نکته اشاره می‌کند که چرا فیلم در بخش خارج از مسابقه حضور داشته است. وی ادامه داد: هر سال وقتی قرار بود جایزه‌ای را دریافت کنم همیشه از قبل پیش‌بینی آن را می‌کردم اما هم‌اکنون در پیش شما می‌گویم که چقدر خوب است در خارج از مسابقه حضور دارم چراکه جو آرام سالن را مشاهده کردم و همین برای من کافی است که بزرگ‌ترین جایزه خودم را از آدم‌های بزرگواری چون شما گرفتم. قاضیانی افزود: خوشحالم از اینکه مریم «پدر آن دیگری» بودم و خوشحالم از اینکه مسافر دل آرام اتوپوس سینمای ایران استاد یدالله صمدی هستم چرا که ما احترام را با استاد صمدی تجربه کردیم و هم عصر یخبندان بی‌حرمتی همین ما را بس است. این بازیگر در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: من در سینما نقش‌های خود را با شخصیت مادر شروع کردم اما با مادر نیز در سینما ماندم. در این فیلم هم باید بگویم که مهدیار عزیزی در زمانی که من בשدت درگیر پروژه دیگری بودم در قالب یک فرشته کوچک همراه من بود تا به عنوان یک بازیگر توانا بتواند برای من مادر دیگری را در سینمای ایران رقم بزند.

■ **شرافت فیلم‌بوی شرافت فیلم‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را می‌دند**

اصغر نژادایملی، طراح صحنه و لباس فیلم نیز درباره طراحی صحنه و لباس این اثر سینمایی منطبق با دهه ۷۰ گفت: بزرگ‌ترین ویژگی ما در این فیلم سینمایی شرافتمندی و نجابت آن است که حتی بوی آن دوران را می‌دهد. البته باید به این نکته اشاره کنم که ما به سرعت در حال نابود کردن گذشته نزدیک خودمان هستیم چراکه با هجوم مدرنیته‌ای مواجه شدیم که هیچ تناسبی با زندگی ما ندارد. بنابراین در طراحی صحنه این فیلم نیز با مشکلات زیادی مواجه شدیم که امیدوارم صنعت سینمای ایران به شکلی برنامه‌ریزی کند که با ایجاد یک شهرک سینمایی مجهز تا این حد دست و پا‌ل‌مان بسته نشود.

## ویژه جشنواره فجر

## اخبار

اظهارات تکان‌دهنده پیرهادی، تهیه‌کننده

## وقتی «روباه» افخمی را سر بریدند

تهیه‌کننده «روباه» تأکید کرد فیلم‌شان از روز اول جشنواره آماده نمایش بوده و اگر در روز چهارم به نمایش درآمده تصمیم دبیرخانه فجر بوده که باعث شده «روباه» از آرای مردمی حذف شود. تهیه‌کننده فیلم سینمایی «روباه» با انتقاد از متولیان بخش آرای مردمی سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر به مهر گفت: به صراحت اعلام می‌کنم مسؤوولان طرح جمع‌آوری آرای مردمی در خانه سینما درباره خروج این فیلم از گردونه آرای مردمی بی‌تدبیری کردند. ما در سینماهای مردمی به وضوح شاهد هستیم که مخاطب با «روباه» ارتباط برقرار می‌کند. محمد پیرهادی درباره روند اجرای طرح آرای مردمی توسط خانه سینما عنوان کرد: براساس اظهار نظر مسؤوولان برگزاری آرای مردمی در خانه سینما، این ادعا وجود دارد که طبق آیین‌نامه فیلم‌هایی که از روز چهارم جشنواره اکران خود را آغاز می‌کنند در آرای مردمی لحاظ نمی‌شوند و مدعی هستند که این مطلب را به مسؤوولان برگزاری جشنواره سی‌وسوم فیلم فجر نیز اعلام کرده‌اند. وی افزود: براساس این ادعا به دلیل اکران «روباه» از روز چهارم جشنواره، این فیلم از دایره محاسبات آرای مردمی حذف شده است البته من به‌عنوان تهیه‌کننده سینما دلخوری و ناخرسندی خود و عوامل فیلم را از این موضوع به مسؤوولان برگزاری جشنواره اعلام کردم.

■ **مسؤوولان درخواست نمایش «روباه» در مراسم افتتاحیه را داشتند**

این تهیه‌کننده سینما در پاسخ به اینکه آیا آماده نبودن «روباه» نمایش آن را به روز چهارم انداخته است؟ عنوان کرد: فیلم سینمایی «روباه» طبق تعهدی که به جشنواره فیلم فجر داشتمیم تحویل داده شد و شاهد این ادعا هم درخواست مسؤوولان برگزاری جشنواره فیلم فجر مبنی بر نمایش این فیلم در مراسم افتتاحیه است. درخواست مسؤوولان برگزاری جشنواره فیلم فجر مبنی بر نمایش این فیلم در مراسم افتتاحیه است. درخواست مسؤوولان برگزاری جشنواره فیلم فجر مبنی بر نمایش این فیلم در مراسم افتتاحیه نکته‌ای است که برای اولین بار مطرح می‌کنم و این درخواست حمایت از آماده بودن فیلم دارد بنابراین بهانه آماده نبودن فیلم «روباه» برای نمایش در روزهای نخست جشنواره را از اساس نمی‌پذیرم. تهیه‌کننده فیلم سینمایی «تام‌ها» در پاسخ به این پرسش که اعتراض به خروج این فیلم از آرای مردمی به کجا رسید؟ گفت: طی صحبت‌هایی که با مسؤوولان برگزاری جشنواره سی و سوم فجر داشتم آنها هم نسبت به رفتار برگزار کنندگان دآوری آرای مردمی معترض بودند.

پیرهادی یادآور شد: با این اوصاف مسالله‌ای که به آن اعتراض دارم، مشخصاً برگزار کنندگان آرای مردمی هستند که امکان ارزیابی فیلم «روباه» از نگاه تماشاگر را گرفتند. برای ما مهم بود که بدانیم مخاطبان چه نگاهی به این فیلم دارند و چه سطحی از انتظار مخاطب را توانسته‌ایم برآورده کنیم اما خروج «روباه» از گردونه قضاوت مردمی این امکان را از تیم تولید و بویژه بهروز افخمی، کارگردان گرفت. این تهیه‌کننده سینما ادامه داد: امیدوار هستم مسؤوولان مربوط به اجرای آرای مردمی برای انجام این مهم در سال‌های آینده داریت به خرج دهند تا دیگر دلخوری‌هایی از این دست پیش نیاید و حق کسی ضایع نشود.

■ **مخاطب با «روباه» ارتباط برقرار می‌کند**

پیرهادی در پاسخ به اینکه آیا عمدی در کار بوده است؟ گفت: کلمه عمد را نمی‌توانم به کار ببرم چراکه این بخش به دلیل حساسیت‌های بالایی که دارد از حواشی بسیاری نیز برخوردار است بنابراین به جای کلمه عمد از لغت بی‌تدبیری استفاده می‌کنم. به صراحت اعلام می‌کنم مسؤوولان طرح جمع‌آوری آرای مردمی در خروج فیلم از گردونه آرای مردمی بی‌تدبیری کردند و نبود هماهنگی‌های لازم بین برگزار کنندگان جشنواره فیلم فجر از یک سو و خانه سینما از سوی دیگر باعث بروز چنین اتفاق‌هایی شده است. تهیه‌کننده فیلم «روباه» در پایان درباره بازخورد تماشاگران از دیدن این فیلم سینمایی گفت: در سینماهای مردمی به وضوح شاهد هستم که مخاطب با «روباه» ارتباط برقرار می‌کند.



## «رخ دیوانه» همچنان

## در صدر آرای مردمی روز هفتم

نتایج نظرسنجی مردمی در هفتمین روز از سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر اعلام شد. به گزارش تسنیم، با شمارش ۵۵۴۷۷ رأی تماشاگران از ۲۴۱ نوبت نمایش تا روز هفتم جشنواره به ترتیب فیلم «رخ دیوانه» به کارگردانی ابوالحسن داوودی با میانگین امتیاز ۱۷/۳، فیلم «عصر یخبندان» به کارگردانی مصطفی کبیایی با میانگین امتیاز ۱۰/۳ و فیلم «کوچه‌بی‌نام» به کارگردانی هانته علیمردانی با میانگین امتیاز ۹/۲ تا این تاریخ به ترتیب رتبه اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند.